

کیفیت انتقال استعاره‌های آیات حجاب در ترجمه‌های فارسی بر اساس الگوی ترجمه نیومارک

علیرضا آزاد^۱، سمیه جعفری ملک‌آبادی^{۲*}

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

۲- دانشجوی دکتری معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۲

دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲

چکیده

با توجه به جایگاه ویژه استعاره در افزون‌سازی معنا، فهم معانی ابداع‌شده توسط استعاره و انتقال صحیح آن به زبان دیگر، از ملاک‌های مهم یک ترجمه محسوب می‌شود. در این پژوهش با هدف دستیابی به کیفیت انتقال استعاره‌های آیات حجاب، ده ترجمه فارسی آیت‌ی، انصاریان، الهی قمش‌های، صلواتی، کاویانپور، موسوی گرمارودی، فولادوند، مشکینی، مکارم شیرازی و معزی مورد بررسی قرار گرفته است. مباحث مربوط به پوشش، گرچه در شش آیه از قرآن مطرح می‌شود، اما فقط پنج آیه شامل استعاره است. این تحقیق در گام نخست، استعاره‌ها را بر اساس دو نظریه سنتی و مفهومی مورد تحلیل قرار می‌دهد تا معانی ابداع‌شده از آن‌ها به‌دقت استخراج گردد؛ سپس با انطباق‌سنجی با الگوی نیومارک، درصدد است شیوه صحیح برگرداندن استعاره‌ها را به دست آورد. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و استنباطی انجام گرفته است. تحلیل استعاره بر اساس دو نظریه نیز، زمینه برداشت کامل و صحیح‌تر را فراهم می‌کند. معانی به‌دست‌آمده بر اساس این دو نظریه تقریباً شبیه به هم است و این نتیجه باعث می‌شود در صحت معانی به‌دست‌آمده اطمینان بیشتری حاصل گردد. بررسی ترجمه‌ها، نشان می‌دهد که مترجمان در برگرداندن این فن، نظام‌مند عمل نکرده و از نظریه‌ای خاص تبعیت ننموده‌اند. از میان ده مورد بررسی‌شده، ترجمه‌های فولادوند، کاویانپور، گرمارودی، مشکینی و معزی در انتقال استعاره دقیق‌تر بوده و بیشتر از شیوه تحت‌اللفظی بهره برده‌اند. واژگان کلیدی: آیات حجاب، استعاره مفهومی، استعاره سنتی، الگوهای ترجمه

۱- مقدمه

حجاب از احکام مهم شریعت اسلام و آیات قرآن از زمره مهم‌ترین ادله آن است؛ آیات مربوط به بحث پوشش درمجموع شش آیه است؛ یعنی آیات ۳۰، ۳۱ و ۶۰ سوره نور، ۳۳، ۵۳ و ۵۹ سوره احزاب؛ اما به دلیل اینکه در آیه ۳۰ سوره نور استعاره‌ای به کار رفته است در این پژوهش مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. از آنجاکه اولین بازتاب مفهوم این آیات برای مخاطب، ترجمه خواهد بود و از طرف دیگر استعاره به‌عنوان یکی از بلیغ‌ترین فنون بیان، در این آیات به کار رفته و در توسعه‌بخشی به معنای آن‌ها اثرگذار بوده است؛ لذا انعکاس دقیق این فن از ملاک‌های ترجمه صحیح به حساب خواهد آمد تا آنجا که عدم دقت در این امر منجر به ترجمه‌ای سطحی یا نادرست می‌گردد. با توجه به مطلب بیان شده، این سؤال مطرح می‌شود که ترجمه‌های فارسی تا چه حد به استعاره‌های آیات حجاب توجه داشته و این اسلوب بلاغی به چه کیفیتی در این ترجمه‌ها منعکس شده است؟ یافتن پاسخ این پرسش مبتنی بر چند مرحله اساسی است:

اول: به دست آوردن معانی نهفته در استعاره.

دوم: پیدا نمودن مناسب‌ترین شیوه ترجمه استعاره برای انتقال این معانی و درنهایت بررسی تعدادی از ترجمه‌های فارسی و مطابقت دادن آن‌ها با شیوه صحیح ترجمه. بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤالات خواهد بود:

۱. ترجمه صحیح از یک استعاره مبتنی بر چیست؟
۲. کدام روش ترجمه استعاره، قدرت بیشتری در انعکاس این فن بلاغی دارد؟
۳. ترجمه‌های فارسی در این راستا از چه شیوه‌ای استفاده نموده‌اند؟

به منظور پاسخ به سؤالات فوق، در بخش نخست ابتدا نظریه‌های استعاره سستی و مفهومی تبیین می‌شود؛ سپس الگوی ترجمه استعاره نیومارک که مبتنی بر هفت شیوه است، بیان شده و مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دیگر استعارات آیات حجاب بر اساس هر دو نظریه سستی و مفهومی تحلیل می‌شود تا معانی ابداع‌شده دقیق‌تر برداشت شود. تحلیل

استعاره بر اساس نظریه سستی، مبتنی بر تشخیص نوع استعاره، ارکان استعاره، شناخت ویژگی‌های مستعارمنه و تطبیق این خصوصیات با مستعارله است. در استعاره‌های مفهومی، این تحلیل مبتنی بر شناخت عناصر و روابط ناظر بر حوزه مقصد و مطابقت نظام‌مند آن‌ها با حوزه مبدأ است. در بخش آخر کیفیت برگرداندن استعاره‌ها در ده ترجمه بررسی و بر اساس الگوی ترجمه نیومارک انطباق‌سنجی می‌شود.

مترجمینی که ترجمه آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است عبارتند از:

عبدالمحمد آیتی، حسین انصاریان، مهدی الهی قمشه‌ای، محمود صلواتی، احمد کاویانپور، علی موسوی گرمارودی، محمد مهدی فولادوند، علی مشکینی، ناصر مکارم شیرازی و محمد کاظم معزی.

پژوهش حاضر از جهت هدف، تحقیقی بنیادی و به لحاظ ماهیت، اکتشافی است که درصدد کشف نحوه انتقال استعاره در ترجمه‌های فارسی قرآن است. در این مسیر با تکیه بر منابع تفسیری و بلاغی، اطلاعات به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است و از آنجاکه به‌وسیله تحلیل استعاره‌ها به توصیف و تبیین معانی آیات پرداخته می‌شود و با انطباق‌سنجی روش‌های ترجمه، بهترین شیوه انتقال این معانی در ترجمه استنباط می‌شود، روش این پژوهش تحلیلی-توصیفی و استنباطی خواهد بود.

این بررسی، با محدود شدن به آیات حجاب؛ ضمن تحلیل هم‌زمان استعاره‌ها با دو نظریه سستی و مفهومی به استخراج دقیق و موشکافانه معانی آن پرداخته و در انتخاب شیوه برتر ترجمه، همواره انتقال کامل معانی مستفاد را ملاک قرار داده، از این جهت همراه با نوآوری است.

۲- پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های فراوان و متنوعی در رابطه با تحلیل استعاره‌های قرآن صورت گرفته است؛ از جمله:

- مقاله «بررسی استعاره مفهومی نور در قرآن کریم» از مرتضی براتی (۱۳۹۵).
- مقاله «بررسی استعاره‌های مفهومی ساختاری در سوره نبأ در قرآن کریم» اثر حیدرعلی امینی، عطیه کامیابی گل و علی نوروزی (۱۳۹۴).
- پایان‌نامه «استعاره تمثیلیه در قرآن کریم» نوشته غلامرضا زیارتی (۱۳۸۶).
- کتاب «استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآن» از علیرضا قائمی نیا (۱۳۹۷).
- در رابطه با موضوع ترجمه استعاره‌های قرآن نیز، تحقیقات زیادی به نگارش در آمده است؛ مانند:
- مقاله «استعاره در قرآن و دشواری ترجمه آن» نوشته یعقوب جعفری (۱۳۸۲).
- مقاله «چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآن در فرایند ترجمه» محصول تحقیقی رضا امانی و سیرا شادمانی (۱۳۹۱).
- مقاله «مقایسه ترجمه‌های استعاره‌های قرآن کریم در ترجمه میبیدی و فولادوند» اثر محمدرضا اسلامی و علیرضا باقر (۱۳۹۶).
- پایان‌نامه «بررسی ترجمه استعاره در دو ترجمه قرآن کریم (فولادوند و مکارم شیرازی)» از زهرا خلیلی (۱۳۹۴).
- همچنین در رابطه با استعاره مفهومی و اصل حجاب، مقاله «نقش فرهنگ در ساخت و گزینش استعاره‌های مفهومی حجاب در گفتمان فرهنگی فارسی از منظر نظریه گفتمانی استعاره» اثر تحقیقی ابراهیم رضا پور و مریم یغمایی (۱۳۹۵) به نگارش درآمده است.
- در خصوص استعاره‌های آیات حجاب گرچه در منابعی؛ مانند تفاسیر، کتاب‌های بلاغی و لغوی به صورت مختصر و پراکنده مطالبی اشاره شده است؛ اما تاکنون استعاره در این آیات به صورت منسجم مورد بررسی قرار نگرفته است و به تبع در رابطه با کیفیت انتقال آن در ترجمه‌های فارسی اثری تدوین نشده است.

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱- استعاره در لغت

استعاره در لغت از «ع و ر» به معنای عاریه گرفتن است (راغب، ۱۴۱۲: ۵۹۵)، «عاریه» نیز منسوب به عار است به خاطر اینکه طلب عاریه، نوعی عیب و عار محسوب می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۶۲۸).

۳-۲- استعاره سنتی

منظور از استعاره سنتی در این نوشته، رویکرد مشهور بلاغیون در رابطه با استعاره و تحلیل آن است. به طور قطعی نمی‌توان گفت اولین بار چه کسی به تعریف استعاره پرداخته اما احتمالاً اولین کسی که در مورد استعاره سخن گفته، جاحظ است (طباطبایه، ۱۳۷۷: ۲۹۸). سیر در تاریخچه استعاره نشان می‌دهد که قدما تعاریف متفاوتی از استعاره ارائه کرده‌اند که گاه دامنه آن محدود و گاه آن‌چنان گسترده می‌شد که مجاز را هم در برمی‌گرفت. می‌توان گفت بهترین تعریف از استعاره ابتدا از سوی عبدالقادر جرجانی بیان گردید. بر اساس نظر ایشان، «استعاره آن است که اسم از اصل خود به معنای دیگری به خاطر تشبیه و به منظور مبالغه انتقال داده شود» (جرجانی، ۱۹۹۱: ۳۹۸).

در رابطه با تحلیل ماهیت استعاره در میان بلاغیون اختلاف وجود دارد. منظور از تحلیل ماهیت استعاره تبیین این مسئله است که در ذهن متکلم دقیقاً چه اتفاقی می‌افتد که استعاره تولید می‌گردد. سکاکی در مفتاح‌العلوم در این زمینه دو قول مطرح می‌کند؛ اول اینکه استعاره نوعی تصرف لغوی است که در آن لفظ در غیر معنای موضوع‌الیه خود به کار می‌رود (قول مشهور بلاغیون) و دیگر اینکه استعاره نوعی تصرف عقلی است که در آن مستعارِ به مستعارِ تشبیه می‌شود؛ سپس با تناسی تشبیه ادعا می‌شود که شبه یکی از مصادیق مشبه به است؛ اما نه مصادیق حقیقی بلکه به صورت ادعایی از مصادیق آن خواهد

بود؛ لذا لفظ از معنای موضوع^۱له خود خارج نشده است. سکاکی خود قول دوم را می‌پذیرد (سکاکی، ۱۴۰۷: ۴۷۷).

ریشه دیدگاه سکاکی را می‌توان در نظریات جرجانی جستجو نمود چراکه جرجانی برخلاف نظرش در اسرار البلاغة از ابتدا قائل به انتقال معنای لفظ در استعاره نبوده است و در دلائل الإعجاز به این مطلب اشاره می‌کند (جرجانی، ۱۳۳۸: ۵۱۵)، اما نظر وی پس از آن تا حدودی تغییر می‌کند و همان‌گونه که بیان شد در اسرار البلاغة استعاره را انتقال معنای اصلی اسم به معنای دیگر می‌داند.

در این پژوهش آنچه از نظریه استعاره سنتی اراده شده است، تحلیلی است که مشهور بلاغیون از استعاره داشته‌اند، نه نظریه سکاکی و طرفداران او؛ یعنی در فرایند شکل‌گیری استعاره در ذهن متکلم، یک لفظ از معنایی که برای آن وضع شده است خارج و در معنای مستعار^۲منه استعمال می‌شود؛ البته همراه با قرینه‌ای که مانع از اراده معنای اصلی آن است.

طبق این نظریه باید بین معنای حقیقی (مشبه) و معنای مجازی (مشبه‌به) وجه شباهتی وجود داشته باشد که به آن علاقه یا جامع گفته می‌شود. در تحلیل استعاره بر اساس نظریه سنتی باید این موارد (مستعار، مستعار^۳منه، مستعار^۴له، وجه شبه) که به ارکان استعاره معروف هستند، به‌خوبی تشخیص داده و تبیین شوند؛ در این میان شناخت دقیق مستعار^۵منه و خصوصیات آن از اهمیت زیاد برخوردار است؛ زیرا فهم معنای استعاره تا حدود زیادی به آن بستگی دارد.

۳-۳- استعاره مفهومی

رویکرد جدید به استعاره، اولین بار توسط جورج لیکاف و مارک جانسون در سال ۱۹۸۰ مطرح گردید. این رویکرد به‌نوعی نگاه سنتی به استعاره را به چالش کشید، از مهم‌ترین ارکان این نظریه آن است که استعاره ویژگی مفاهیم است نه واژه‌ها. در دیدگاه زبان‌شناسان شناختی، استعاره عبارت است از درک یک حوزه مفهومی در قالب حوزه مفهومی دیگر. یک راه ساده و کوتاه در توصیف و ارائه چنین دیدگاهی را می‌توان چنین بیان کرد که حوزه

مفهومی الف، همان حوزه مفهومی ب است؛ لذا به آن استعاره مفهومی گفته می‌شود (کوچش، ۱۳۹۳: ۶ و ۱۴).

وقتی گفته می‌شود «الف، ب است»؛ یعنی «حوزه مفهومی الف» همان «حوزه مفهومی ب است»؛ درواقع یک استعاره از دو حوزه مفهومی تشکیل می‌شود؛ «حوزه مبدأ» و «حوزه مقصد». حوزه مبدأ، مفهومی انتزاعی و حوزه مقصد، مفهومی عینی است؛ بنابراین حوزه مبدأ در چارچوب حوزه مقصد درک می‌شود. مثلاً در استعاره عشق، سفر است، عشق حوزه مبدأ و سفر حوزه مقصد است. از آنجاکه حوزه مقصد، یعنی سفر، عینی و شناخته شده است، ما از مجموع دانش و تجربیاتی که درباره سفر در اختیار داریم، برای درک حوزه مبدأ یعنی عشق استفاده می‌کنیم.

آنچه به‌خوبی در این نظریه تبیین شده است، نحوه دستیابی به این درک است. از منظر این زبان‌شناسان، مجموعه‌ای از تناظرهای نظام‌مند میان حوزه مبدأ و مقصد وجود دارند که عناصر مفهومی سازه‌ای حوزه «ب» را به عناصر سازه‌ای حوزه «الف» منطبق می‌کند (همان: ۲۰ و ۲۱). به فرایند قرار گرفتن عناصر متناظر در مقابل یکدیگر و برقراری پیوند بین آن‌ها به‌اصطلاح فراکنی گفته می‌شود که شامل نگاشت بین این عناصر است. نگاشت در یک حوزه مفهومی، چیزی را به چیز دیگر متصل می‌کند (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۶۲ و ۱۹۷).

این تناظرها این امکان را فراهم می‌کند که با استفاده از دانشی که درباره سفر داریم، درباره عشق بیندیشیم و از مقایسه این دو قلمرو به‌نوعی استنتاج دست یابیم که بر اساس آن می‌توانیم به‌گونه‌ای در مورد عشق سخن بگوییم که قبل از این سازمان‌دهی قادر به آن نبوده‌ایم (ساسانی، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

نکته قابل‌ذکر در این نظریه، ایده مهم نهان‌سازی و برجسته‌سازی است؛ توضیح آنکه وقتی مقصد توسط مبدأ خاصی ساختاربندی می‌شود، در حین اینکه جنبه‌های خاصی از آن برجسته می‌شود، جنبه‌های دیگر آن پنهان می‌گردد. برای مثال در استعاره «بحث، جنگ است»، ماهیت ستیزه‌جویی بحث برجسته شده ولی این حقیقت که بحث، شامل پیشرفت

کیفیت انتقال استعاره‌های آیات حجاب در ترجمه‌های فارسی ... _____ علیرضا آزاد و سمیه جعفری ملک‌آبادی

منظم و روندی سازمان‌یافته از یک موضوع خاص است پنهان می‌شود (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۳۳)؛ بنابراین تشخیص عناصر برجسته شده و عناصر نهان شده در یک استعاره رابطه‌ای تنگاتنگ با فهم صحیح از یک استعاره دارد.

۳-۴- ترجمه استعاره

تاکنون نظریات مختلفی در رابطه با برگرداندن استعاره از سوی ترجمه‌پژوهان ارائه شده است. عده‌ای استعاره را ترجمه ناپذیر دانسته‌اند (Dagut, 1976: 32)؛ برخی برقرار کردن هماهنگی میان زبان مبدأ و مقصد را در مسیر ترجمه استعاره، بعید می‌دانند (Hatim & Mason, 1990: 40)؛ نظریه‌ای نیز بیانگر آن است که می‌توان تعمیم‌های مختلفی در فرآیند ترجمه استعاره انجام داد (Alvarez, 1993: 488).

در این میان موجه‌ترین نظریه، آن است که:

اولاً استعاره را ترجمه‌پذیر دانسته است.

ثانیاً ضابطه‌مند بودن و تبعیت از الگویی دقیق را برای آن الزامی می‌داند.

ازجمله طرفداران این نظریه، نیومارک است. ایشان در ضمن مخالفت با کسانی که استعاره را ترجمه‌ناپذیر می‌دانند، به ارائه هفت شیوه پرداخته است؛ گرچه این شیوه‌ها توسط برخی پژوهشگران؛ مانند تویاس در مواردی کم‌تر خلاصه شده است (باقر، ۱۳۹۱: ۴۵)؛ اما در نوشته حاضر، هفت شیوه مذکور ملاک بررسی ترجمه‌ها قرار خواهد گرفت که عبارتند از:

۱- ایجاد مجدد تصویر استعاره در زبان مقصد یا ترجمه تحت‌اللفظی استعاره (بازتولید استعاره)؛

۲- جایگزین کردن تصویر استعاره زبان مبدأ با استعاره‌ای از زبان مقصد که دارای همان مفهوم است؛

۳- جایگزین کردن استعاره زبان مبدأ با تشبیه موجود در آن استعاره؛

- ۴- حفظ استعاره زبان مبدأ و ترجمه آن همراه با توضیح؛
- ۵- برگرداندن استعاره به معنی آن (ترجمه معنایی)؛
- ۶- حذف استعاره و ساختار آن به طور کامل؛
- ۷- ترجمه تحت‌اللفظی استعاره به همراه توضیح و تفسیر (ترجمه مفهومی)، (نیومارک، ۱۳۸۶: ۱۴۶).

بهترین ترجمه برای استعاره، ترجمه‌ای است که در آن صورت و ساختار استعاره، به طور کامل حفظ گردد تا فواید ظاهری و معنوی مترتب بر استعاره به خوبی در زبان مقصد بازگو شود؛ مانند ترجمه تحت‌اللفظی استعاراتی که معادل آن عیناً در زبان مقصد وجود دارد؛ اما بسیاری از استعارات به دلیل نداشتن معادل در زبان مقصد، امکان ترجمه تحت‌اللفظی را ندارند؛ لذا باید از شیوه‌ای استفاده نمود که معنا و مفهوم اصلی استعاره که غرض اصلی استعمال استعاره است، انتقال داده شود؛ بنابراین با بررسی جوانب مختلف باید شیوه‌ای متناسب با استعاره موردنظر، انتخاب و بر اساس آن ترجمه نمود؛ زیرا به کارگیری شیوه نادرست، معانی ناهماهنگ و گاه مضحک را نتیجه خواهد داد.

باید به این نکته توجه داشت که برخی از این شیوه‌ها، در ترجمه استعاره و بازتاب بلاغت نهفته در آن، قدرت کافی ندارند؛ مانند ترجمه مفهومی و توضیحی. برخی نیز مانند شیوه ششم مناسب نخواهد بود؛ زیرا در آن کاملاً بیان استعاری حذف می‌شود. این پژوهش به دنبال بررسی این مسئله است که ترجمه استعارات آیات حجاب در ترجمه‌های انتخاب شده به چه کیفیتی است و کدامیک از شیوه‌های مذکور در آن پیاده شده است.

۴- بررسی آیات حجاب

۴-۱- آیه ۳۱ سوره نور^۱

در این آیه شریفه، از جهت موضوع بحث، پنج عبارت قابل بررسی است:

۴-۱-۱- ﴿يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ﴾

همانگونه که بیان شد طبق دیدگاه سنتی، استعاره نوعی مجاز با علاقه مشابَهت است. به نظر می‌رسد در این تعبیر واژه «بصر» از معنای «عین» خارج شده و به معنای «نگاه» به کار رفته است. در این صورت علاقه بین معنای لغوی و مجازی نمی‌تواند مشابَهت باشد بلکه آلیت است؛ بنابراین طبق بلاغت سنتی در این تعبیر مجاز مرسل با علاقه آلیت به کار رفته است؛ درواقع ابزار نگاه که چشم است در آیه ذکر شده ولی مراد از آن نگاه کردن خواهد بود. این عبارت همچنین نوعی مجاز مفهومی به حساب می‌آید و نمی‌توان آن را استعاره مفهومی دانست.

۴-۱-۲- ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾

الف- تحلیل بر اساس نظریه سنتی

سیدرضی در تلخیص البیان قائل است در تعبیر «ضرب خمر» استعاره به کار رفته و منظور از آن را، آویختن خمار بر روی یقه، چاک‌ها و دیگر قسمت‌های باز پیراهن می‌داند. مفسر، اصل کلمه «ضرب» را از ریشه «ضربت الفسطاط» دانسته و قائل است زمانی که چادر را به‌وسیله اقامه ستون‌ها و زدن میخ‌ها برپا کرده باشند این تعبیر به کار می‌رود. به نظر ایشان مراد از «ضرب خمر» در اینجا آن است که تا جایی که ممکن است خمار را آویزان کرده و لباس خود را وسیع کنند (سید رضی، ۱۴۰۶: ۲۴۵).

مصطفوی نیز از این تعبیر «شدت، استحکام و عدم زوال» را برداشت کرده است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۳: ۱۴۲). به نظر می‌رسد از وجه شبهی که بین «خُمُر و فُسطاط» وجود دارد، به این نتیجه رسیده باشد؛ زیرا فسطاط نیز وقتی میخ‌هایش در جای کوبیده شود، با آن نقطه ملازم می‌شود و از آنجا هیچ حرکتی نمی‌کند. شاید معنای مستفاد از استعاره «ضرب خمر» بر اساس بیان سیدرضی این باشد که خمر باید به‌مثابه یک خیمه و فسطاط بر روی سر زن قرار گیرد چنانکه هیچ یک از برجستگی‌های بدن زن از روی لباس دیده نشود

(عشایری، ج ۲: ۹۵). همچنان که حرف «علی» نیز به نوعی به این مسئله اشاره دارد؛ زیرا بیانگر عدم الصاق است؛ یعنی باید خمار بر جیوب افکنده شود نه اینکه به آن‌ها بچسبد. معانی دیگری مانند عدم زوال و پوشش کامل (شمولیت) را نیز می‌توان از این استعاره برداشت نمود؛ هر دو این معانی از بیان مصطفوی برداشت می‌شود. به نظر ایشان تعبیر به «علی» اشاره به احاطه و استیلای خمر بر جیوب دارد به گونه‌ای که جایی نباشد که به وسیله خمار پوشیده نشده باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۳: ۱۴۲)؛ بنابراین در این استعاره خمار، مستعاره و خیمه، مستعار منه است، علاقه را نیز می‌توان سه خصوصیت بارز خیمه؛ یعنی شمولیت (کامل دربرگرفتن)، عدم الصاق و عدم زوال و فروریختن دانست. نوع استعاره نیز مکنیه مطلقه است. مکنیه است؛ زیرا مشبه به ذکر نشده ولی لازمه آن که اضراب است ذکر شده، مطلقه بودن آن نیز به خاطر این است که هم ملائم مستعار منه؛ یعنی «علی» ذکر شده (زیرا خیمه بر زمین زده می‌شود) و هم ملائم مستعار له یعنی «جیوبهن».

ب- تحلیل بر اساس استعاره مفهومی

تحلیل استعاره برداشت شده از آیه فوق، بر اساس نظریه مفهومی بدین صورت است که مفهوم روسری یا خمار با مفهوم خیمه که مفهومی محسوس و آشنا است شناخته خواهد شد؛ «روسری، خیمه است» از جمله خصوصیات خیمه عبارت است از:

- خیمه به وسیله ابزاری مانند طناب و میخ محکم به زمین متصل می‌شود؛
 - بندهای خیمه به دلیل استحکام به راحتی باز نمی‌شود؛
 - خیمه افراد داخل خود را به طور کامل می‌پوشاند؛
 - خیمه فراخ و گشاده است و به بدن افراد داخل خود نمی‌چسبد.
- گرچه خیمه ویژگی‌های دیگری مانند حفظ کردن افراد از سرما و گرما و ... نیز می‌تواند داشته باشد؛ ولی نقطه برجسته شده در این استعاره، کامل و محکم پوشانده شدن است؛ بنابراین با شناخت خصوصیات خیمه به خوبی می‌توان با ویژگی‌های خمار و نحوه پوشش با آن آشنا شد.

ج- بررسی ترجمه‌ها

با پذیرفتن استعاره به‌کاررفته در ضرب خمر مشخص می‌شود که معنای پوشاندن صرف از این تعبیر برداشت نخواهد شد؛ بلکه معانی دیگری مانند کامل پوشاندن، نجسیدن خمار به جیوب، عدم زوال و از بین رفتن نیز در این تعبیر نهفته است. بیانگر این فراخی و عدم الصاق حرف «علی» است؛ لذا برای ترجمه صحیح این استعاره باید تعبیر «علی جیوبهن» دقیق به صورت «بر گریبان» ترجمه شود. واژه «ضرب» همراه با «خمر» باید گونه‌ای ترجمه شود که در زبان فارسی متداول باشد؛ لذا برپا کردن خمار یا زدن خمار نمی‌تواند معادل مناسبی برای ترجمه باشد، زیرا این دو تعبیر برای حجاب در زبان فارسی به کار نمی‌رود. می‌توان گفت ترجمه «افکندن» روسری یا مقنعه، نزدیک‌ترین معادل فارسی برای تعبیر ضرب خمر است که در این صورت با حرف «علی» نیز هماهنگ خواهد بود. به نظر می‌رسد تنها شیوه برای ترجمه این استعاره و معانی برخاسته از آن، شیوه سوم نیومارک است؛ یعنی جایگزین کردن تصویر استعاره با تشبیه موجود در آن، در این صورت ترجمه این‌گونه خواهد بود: «روسری‌های خود را (مانند یک خیمه) بر گریبان‌های خود بیفکنید».

هیچ یک از ترجمه‌ها، این شیوه را در ترجمه خود به کار نبرده است. ترجمه‌هایی مانند فولادوند و الهی قمشه‌ای ترجمه دقیق و معادل خوبی برای این استعاره نمی‌تواند باشد؛ زیرا:

اولاً حرف «علی» در آن‌ها ترجمه نشده است،

ثانیاً «ضرب خمر» را به پوشاندن ترجمه کرده‌اند،

می‌توان گفت در این دو ترجمه، استعاره بازتابی نداشته و حذف شده است. در مابقی ترجمه‌ها به این نکته توجه شده و این حرف به‌درستی برگردانده شده است؛ اما در میان آن‌ها ترجمه انصاریان، فولادوند و صلواتی واژه «ضرب» را به‌صورت بیندازند یا فرو اندازند ترجمه کرده‌اند که با توجه به استعاره موجود ترجمه دقیقی نمی‌تواند باشد.

در ترجمه‌های آیتی، گرمارودی، معزی و مکارم، «ضرب»، همان افکندن ترجمه شده است در ترجمه مشکینی نیز بزنند ترجمه شده است؛ این ترجمه‌ها را می‌توان دقیق‌تر از ترجمه‌های دیگر به حساب آورد که در میان آن‌ها، ترجمه معزی و گرمارودی را می‌توان همان ترجمه تحت‌اللفظی از استعاره به حساب آورد. ترجمه‌های آیتی، مشکینی، مکارم از آنجاکه علاوه بر حفظ استعاره به توضیح آن نیز پرداخته‌اند با شیوه «حفظ استعاره زبان مبدأ همراه با توضیح» مطابقت خواهند داشت.

۴-۱-۳- ﴿غَيْرُ أُولِي الْإِرْبَةِ﴾

الف- بلاغت سستی

«اربه» در لغت در چهار معنای حاجت، عقل، نصیب و عقد به کار می‌رود که در این آیه مراد از آن حاجت است. یک دسته از افرادی که پوشش زن در مقابل آن‌ها استثنا شده، افراد سفیه و ابلهی هستند که تحت قیمومیت دیگران‌اند و نیاز جنسی ندارند (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۵: ۱۱۲)؛ می‌توان گفت این تعبیر طبق بلاغت سستی کنایه از عدم قوه شهوت یا بی‌نیازی جنسی از زنان است.

ب- استعاره مفهومی

این عبارت را می‌توان نوعی استعاره مفهومی به حساب آورد که در آن مفهوم قوه شهوت در مفهوم حاجت و نیاز فهمیده می‌شود. «قوه شهوت، حاجت است»؛ لذا بر اساس مفاهیم و روابط ناظر به مفهوم حاجت، مفهوم قوه شهوت بهتر تبیین می‌شود؛ ازجمله این مفاهیم موارد ذیل است:

- حاجت، انسان را نسبت به متعلقش حریص‌تر می‌کند؛
- حاجت، نوعی سلب آرامش و تشویش خاطر به همراه دارد؛
- حاجت، ممکن است صاحب خود را منجر به لغزش کند.

بر اساس این تحلیل و مشخص شدن مفاهیم ناظر به حاجت، حساسیت مردان نسبت به این غریزه ملموس‌تر خواهد شد؛ لذا مشخص می‌شود که زنان در مقابل مردان «اولی‌الاربه» تا چه میزان باید به حجاب خود از جمله پوشاندن مو، سینه و گردن مقید باشند.

ج- بررسی ترجمه‌ها

تعبیر «اولی‌الاربه» چه بر اساس بلاغت سنتی کنایه باشد چه نوعی استعاره مفهومی به حساب آید، ترجمه دقیق آن موقعی است که بی‌نیازی از زن در ترجمه ذکر گردد؛ یعنی «افراد سفیهی که بی‌نیاز از زن هستند». ترجمه‌هایی مانند صلواتی، فولادوند، کاویانپور، گرمارودی، مشکینی، معزی و مکارم، «غیراولی‌الاربه» را به معنای بی‌نیازی از زن یا عدم نیاز شهوانی معنا کرده‌اند. این ترجمه‌ها از مواردی که این تعبیر را به معنای رغبت نداشتن به زن برگردانده‌اند، مانند آیتی و الهی قمشه‌ای، دقیق‌تر است.

۴-۱-۴- ﴿لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ﴾

الف- استعاره سنتی

اصل «ظَهَرَ الشَّيْءُ» این است که چیزی از ظاهر زمین به دست آید و پنهان نباشد. واژه «بطن» نیز در مورد چیزی به کار می‌رود که به صورت آشکار، با چشم دیده شود یا با عقل درک شود سپس در رابطه با هر چیزی که دیده و درک شود بکار می‌رود. این واژه همچنین برای دو معنای معاونت (یاوری) و پیروزی به کار می‌رود (راغب، ۱۴۱۲: ۵۴۱). در این آیه «ظهر» به معنای آگاهی و شناخت است.

با توجه به حرف «علی»، این نکته برداشت می‌شود که در این تعبیر آگاهی و علم به چیزی تشبیه شده است که در جهت و مکان بالا قرار دارد؛ درواقع وقتی به چیزی علم پیدا می‌کنیم، گویا نسبت به معلوم در جهت بالا قرار داریم و به آن احاطه و تسلط یافته‌ایم؛ بنابراین می‌توان این استعاره را استعاره مکنیه دانست که مشبه به در جمله حذف و لازمه آن؛ یعنی «علی» ذکر شده است (بر مسائل جنسی مربوط به زنان تسلط پیدا نکرده‌اند). همچنین

می‌توان گفت حرف «علی» متناسب با مستعارمنه و «عورات النساء» متناسب با مستعارله است؛ بنابراین استعاره مکنیه مطلقه خواهد بود.^۲

ب- استعاره مفهومی

این تعبیر یک استعاره جهتی است؛ «آگاهی و شناخت؛ بالا است». در این استعاره مفاهیم مرتبط با آگاهی بر اساس رابطه مکانی و دستگاه مفهومی بالا- پایین، ساختار یافته است. از آنجاکه استعاره‌های جهتی با تجارب بدنی ما ارتباط دارند، هر کدام از آن‌ها یک پایه فیزیکی دارند که برای انسان‌ها محسوس و ملموس بوده است.

پایه فیزیکی این استعاره این است که انسان‌ها معمولاً آگاهی داشتشان بستگی به هوشیار بودنشان دارد؛ همچنین هنگام هوشیاری و بیدار بودن حالت بدنشان ایستاده است برخلاف حالت خواب یا بی‌هوشی که حالت بدنشان خوابیده و دراز کشیده است. همانگونه که بیان شد در این استعاره مفاهیم مرتبط با آگاهی با روابط ناظر بر جهت بالا ساختار می‌یابد. برخی از این روابط عبارتند از:

- چیزی که در جهت بالا قرار دارد، بر زیردست خود نوعی احاطه و تسلط خواهد داشت؛

- وقتی چیزی بالاتر از چیز دیگر است، به‌خوبی آن چیز و زوایای مختلف آن را می‌بیند؛

- بهتر می‌تواند نسبت به احوالات پایین‌تر از خود شناخت پیدا کند.

در این استعاره آگاهی با روابط ناظر به فوقیت تبیین می‌شود. وقتی شخصی به چیزی آگاه است، گویا مافوق او قرار دارد، می‌تواند به‌خوبی آن را ببیند و خصوصیات، احوال و زوایای مختلف آن را دریابد و بر آن احاطه و تسلط پیدا کند.

۴-۱-۵- ﴿عَوْرَاتِ النِّسَاءِ﴾

الف- استعاره سنتی

واژه «عور» در لغت، به معنای سوء و بدی است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۲: ۲۳۷)؛ همچنین هر چیزی که به دنبال نمایان شدنش، عار و مذمت وجود دارد. از این جهت به بدی‌های انسان نیز «سوءات» گفته می‌شود (راغب، ۱۴۱۲: ۵۹۵). در کاربرد این واژه برای اندام خاص انسان می‌توان گفت نوعی استعاره به کار رفته است. درواقع این قسمت‌ها به اموری تشبیه شده که به دنبال آشکار شدنش عار یا مذمت خواهد بود؛ البته این استعاره به دلیل کثرت استعمال، جز استعاره‌های مرده به حساب خواهد آمد. برداشت معنایی که از این استعاره حاصل می‌شود، زشت و قبیح بودن اظهار این اندام‌هاست. اما تعبیر «عورات النساء» یک تعبیر کنایه‌ای است و مراد از آن امور جنسی خواهد بود و طبق نظریه مشهور بلاغیون نمی‌تواند مجاز و در نتیجه استعاره باشد؛ زیرا می‌تواند در معنای لغوی خود به کار رود.

ب- استعاره مفهومی

استعاره در این تعبیر، مطابق نظریه مفهومی این‌چنین است: «اندام‌های جنسی، زشتی هستند». طبیعتاً زشتی‌ها اموری هستند که:

- انسان آن‌ها را مخفی می‌کند؛
- از اظهار و نمایان کردن آن‌ها شرمگین می‌شود؛
- با نمایان شدن آن‌ها ملامت می‌شود.

ج- بررسی ترجمه‌ها

برای ترجمه صحیح جمله ﴿لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ﴾ باید هم به استعاره و معنای فوقیت در عبارت «لم يظهروا علی» توجه داشت، هم کنایه بودن «عورات النساء» لحاظ گردد. در غیر این صورت، ترجمه مناسبی صورت نمی‌گیرد. در میان ترجمه‌ها، الهی قمشه‌ای،

فولادوند، کاویانپور، معزی، صلواتی با ترجمه تحت‌اللفظی حرف «علی»؛ یعنی «بر» استعاره را بازتولید نموده‌اند که از میان آنان دو مورد اخیر به دلیل عدم توجه به کنایه، ترجمه مناسبی نداشته‌اند. ترجمه‌های آیتی، انصاریان، گرمارودی، مشکینی، مکارم نیز به ترجمه حرف علی توجه نداشتند؛ لذا در ترجمه آن‌ها استعاره انتقال نیافته است و درواقع استعاره در ترجمه آن‌ها حذف شده است. در میان ترجمه‌ها فقط دو ترجمه انصاریان و مکارم به کنایه توجه داشته و آن را به معنای میل و امور جنسی ترجمه کرده‌اند.

بنابراین در ترجمه عبارت مورد بحث، باید به صورت دقیق «علی» با لفظ «بر» ترجمه شود تا هرچند به صورت ضعیف، معنای فوقیت انعکاس یابد؛ همچنین تعبیر «عورات النساء» با همان معنای کنایه‌ای خود ترجمه شود نه به صورت تحت‌اللفظی: «کودکانی که هنوز بر امور جنسی مربوط به زنان شناخت پیدا نکرده‌اند».

۴-۲- آیه ۶۰ سوره نور^۲

در آیه ۶۰ سوره مبارکه نور دو عبارت وجود دارد که از لحاظ استعاری بودن و معنابخشی، قابل بررسی و پیگیری است.

۴-۲-۱- ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ﴾

الف- استعاره سنتی

عبارت ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ﴾ در برخی تفاسیر، تعبیری استعاری است؛ در این صورت می‌توان گفت زنی که پیر شده و امید به ازدواج ندارد، به کسی که بر زمین نشسته و بر آن قعود پیدا کرده و به عبارتی زمین‌گیر گردیده، تشبیه شده است. وجه شباهت نیز عجز و ناتوانی خواهد بود؛ زیرا کسی که از روی ناتوانی بر زمین نشسته قدرت ایستادن، حرکت و انجام کارهای موردنیاز یا موردعلاقه خود را ندارد. زنی که پیر شده و امید ازدواج ندارد نیز، توان خود را نسبت به اموری مانند حیض، استمتاع، فرزندآوری و ... از دست داده است.

درواقع قعود همان قعود از حیض (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۴۰۷) و قعود از نکاح (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۱۶۴) و ... خواهد بود.

بنابراین طبق این دیدگاه واژه قواعد از معنای اولیه خود «کسانی که بر زمین نشسته و قعود پیدا کرده‌اند» خارج و به معنای «زنان پیری که از انجام اموری مانند تمتع جنسی، زایمان، ازدواج و ... بازمانده‌اند» به کار رفته است.

تحلیل ابن عاشور از این استعاره این است که قعود، استعاره از عدم قدرت است. سپس وجه شبه را این گونه بیان می‌کند؛ همان گونه که شخصی که بر زمین نشسته (ظاهراً مراد شخصی است که زمین گیر شده است) از رسیدن به آنچه به آن رغبت دارد عاجز است، زنی که پیر شده است نیز از زایمان و فرزندآوری که مورد میل و رغبت اوست ناتوان است (استعاره مصرحه). ایشان کثرت استعمال «قواعد» برای زنانی که عاجز از حیض و زایمان هستند را دلیل اختصاص این واژه برای زنان می‌داند و قائل است به خاطر همین، واژه مذکور در آیه به صورت مؤنث ذکر نشده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۸: ۲۳۸).

این تعبیر طبق بلاغت کلاسیک، به تعبیر کنایه‌ای نزدیک‌تر است و مراد از آن، زنان بسیار پیری است که نسبت به اموری مانند تمتع جنسی، حیض، زایمان و ... از کارافتاده و ناتوان هستند.

ب- استعاره مفهومی

«زنان پیری که امید به ازدواج ندارند زنان بر زمین نشسته هستند».

استعاره به کاررفته در این تعبیر از نوع استعاره ساختاری است که مفهوم «زنان پیر که امید به ازدواج ندارند» در قالب «زنان نشسته بر زمین» ساختار یافته است و در آن قالب فهمیده می‌شود و از طریق روابط حاکم بر مفهوم «زنان نشسته بر زمین» روابط ناظر بر مفهوم «زنان پیر که امید به ازدواج ندارند» بهتر فهمیده می‌شود مانند:

- زنان نشسته بر زمین، زنان ناتوانی هستند؛

- این زنان توان ایستادن، راه رفتن و فعالیت‌های دیگر را ندارند؛

- از انجام کارهایی که به آن‌ها میل و رغبت دارند عاجز هستند.

ج- بررسی ترجمه‌ها

در ترجمه این تعبیر چه قائل به استعاره باشیم چه کنایه، باید واژه «قعود» انعکاس یابد؛ بنابراین بهترین معادل برای این تعبیر در فارسی از کارافتادگی است که لازمه همان قعود و زمین گیر شدن است؛ بنابراین ترجمه آیه می‌شود «و زنان از کارافتاده‌ای که دیگر امید به ازدواج ندارند». این ترجمه مطابق با شیوه سوم از ترجمه نیومارک؛ یعنی ترجمه معنایی است. ترجمه‌هایی که این تعبیر را به کار برده‌اند، عبارتند از انصاریان، فولادوند، کاویانپور و مکارم. ترجمه‌هایی مانند مشکینی و الهی قمشه‌ای که عبارت را به بازنشسته از حیض و بارداری ... ترجمه کرده‌اند؛ یعنی ترجمه به صورت تحت‌اللفظی به همراه توضیح، گرچه استعاره را بازگو می‌کنند؛ ولی در زبان فارسی معادل مناسبی برای این تعبیر نیست.

۴-۲-۲- «غیر متبرجات بزینة»

«تبرج» به معنای اظهار زینت و از «برج» گرفته شده است. هر آنچه ظاهر آن مرتفع باشد را به خاطر ظهور و نمایان شدنش برج می‌گویند؛ لذا به ستارگان بزرگ هم بروج می‌گویند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۱: ۴۰).

الف- استعاره سنتی

در آیه زنانی که با اظهار زینت و محاسن خویش درصدد خودنمایی هستند به امور و چیزهای مرتفع یعنی «برج» شبیه شده‌اند و وجه شباهت نیز نمایان شدن است. با این استعاره، مسئله نمایاندن و اظهار نمودن به خوبی تبیین می‌شود؛ زیرا امور مرتفع به دلیل بلندی، نمایان هستند و به چشم می‌آیند؛ گویا خود را به نمایش گذاشته‌اند.

در استعاره فوق، مستعاره زنانی‌اند که با زینت خود قصد خودنمایی دارند و مستعار منه چیزهای مرتفع هستند؛ مانند برج. علاقه بین مستعاره و مستعار منه نیز نمایان بودن است. استعاره مکنیه است؛ چون لازمه مشبه به یعنی «متبرجات» ذکر شده است و از آنجاکه متناسبات مستعاره یعنی «بزینة» ذکر شده مجرده خواهد بود.

باید توجه داشت این استعاره به دلیل کثرت استعمال، جایگزین یک استعمال حقیقی شده است و استعاره‌ای زنده به حساب نمی‌آید.

ب- استعاره مفهومی

«زنان خودنما، برج هستند»؛ این استعاره را می‌توان از نوع ساختاری دانست که در آن مفهوم «زنانی که درصدد اظهار زینت و خودنمایی هستند» در قالب مفهوم «برج یا امور مرتفع» شناخته می‌شوند؛ درواقع روابط و امور مرتبط با مفهوم دوم، برای تفهیم مفهوم اول به کار برده می‌شود؛ زیرا مفهوم تعبیر دوم برای ما شناخته شده و مشخص‌تر است؛ ازجمله امور مرتبط با مفهوم دوم:

- برج‌ها مرتفع و بلند هستند؛

- برج‌ها نمایان هستند؛

- جلب توجه می‌کنند؛

- بیشتر در معرض نگاه قرار می‌گیرند.

بنابراین زنان متبرج زنانی هستند که جلب توجه کرده و در معرض نگاه قرار می‌گیرند.

ج- بررسی ترجمه‌ها

در ترجمه این استعاره به چند نکته باید توجه داشت:

۱. واژه «تبرج» به دلیل کثرت کاربرد در معنای اظهار زینت و خودنمایی، در حکم یک استعمال حقیقی در زبان عربی محسوب می‌شود؛ اما در ترجمه فارسی برای انعکاس استعاره، بهتر است تشبیه به برج آورده شود.

۲. در ترجمه حتماً باید خودنمایی ذکر شود؛ زیرا با این استعاره معنای خودنمایی پررنگ شده و همین معنا مورد نظر است (با اظهار زینت قصد خودنمایی نداشته باشند).

۳. خودنمایی با خودآرایی تفاوت دارد؛ زیرا برخی خودآرایی‌ها در حد خودنمایی نیست؛ همان‌گونه که احکام فقهی متفاوت نیز بر آن‌ها بار می‌شود؛ اما در برخی ترجمه‌ها این خلط دیده می‌شود.

۴. خودنمایی با اظهار زینت نیز متفاوت است، زیرا برخی اظهار زینت‌ها خودنمایی محسوب نمی‌شود. تفاوت خودنمایی و اظهار زینت در مورد «قواعد من النساء» بهتر مشخص می‌شود؛ زیرا چه‌بسا زینت‌های متداول مانند انگو، انگشتر و ... که از زنان سالخورده آشکار باشد بدون اینکه به چشم بیاید و خودنمایی محسوب شود؛ ثانیاً وقتی در این آیه به عدم پوشش برخی از قسمت‌های بدن رخصت داده شده است، چگونه نمایان کردن برخی از زینت‌های معمولی جایز نباشد.

بنابراین مراد اصلی از «غیرمتبرجات» عدم خودنمایی است و برای ترجمه بهتر استعاره، باید تشبیه انتقال یابد و لفظ خودنمایی نیز ذکر شود، نه صرف بیان آشکار کردن زینت یا خودآرایی: «با زینت‌های خود قصد خودنمایی (مانند برج) نداشته باشند». این ترجمه، مطابق با شیوه سوم نیومارک یعنی جایگزین کردن استعاره زبان مبدأ با تشبیه موجود در آن استعاره است.

بنابر آنچه گفته شد، ترجمه‌هایی که «غیرمتبرجات» را به عدم خودآرایی ترجمه کرده‌اند، ترجمه دقیقی نیستند؛ مانند ترجمه انصاریان و مکارم. همچنین ترجمه‌هایی که اظهار زینت را بدون اشاره به قصد خودنمایی آورده‌اند نیز نمی‌توانند به‌خوبی استعاره مورد نظر را انتقال دهند؛ مانند آیتی، الهی قمشه‌ای، صلواتی، فولادوند، کاویانپور، مشکینی، معزی و مکارم.

۴-۳- آیه ۳۳ سوره احزاب^۴

در این آیه نیز دو عبارت وجود دارد که می‌توان از جهت استعاری بودن و کیفیت ترجمه، مورد بررسی قرار داد:

۴-۳-۱- ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾

«قرن» از «قرار» و ریشه آن «ق ر ر» به معنای ثبوت است (ابن زهری، ۱۴۲۱، ج ۸: ۲۲۶)؛ اصل آن از «قُرَّ» به معنای سرد است؛ زیرا شیء سرد اقتضای سکون دارد؛ برخلاف شیء گرم که اقتضای حرکت دارد (راغب، ۱۴۱۲: ۶۲۲).

الف- استعاره سنتی

در واژه قرن، که به معنای ثبوت و پابرجا شدن است نوعی استعاره به کار رفته؛ یعنی ثبوت به چیز سردی که سردی‌اش اقتضاء عدم تحرک دارد، تشبیه شده است. طبق نظریه سنتی، این استعاره به دلیل کثرت استعمال جایگزین کاربرد حقیقی می‌شود و استعاره‌ای پویا و زنده به حساب نمی‌آید و در همان معنای ثبات داشتن و آرام گرفتن به کار می‌رود.

ب- استعاره مفهومی

در استعاره مفهومی این استعاره از نوع استعاره ساختاری است و چنین بیان می‌شود: «عدم حرکت، سرد است».

از آنجاکه زبان شناسان شناختی، معتقدند زبان بشر در ابتدا برای اشیاء مادی و با توجه به عالم ماده شکل گرفته است، پایه بسیاری از استعاره‌های مفهومی را که در زندگی رواج دارند، تجربیات مادی می‌دانند. استعاره ذکر شده نیز مصداق این موارد است. روابط ناظر به جنس سرد عبارتند از:

- اجسام سرد حالت انجماد دارند؛

- اجسام منجمد روان نیستند.

ج- بررسی ترجمه‌ها

همانگونه که بیان شد «قرن» به معنای ثبات داشتن و آرام گرفتن به کار می‌رود. در تمام ترجمه‌ها هم به معنای «آرام گرفتن» یا «ماندن» آمده است. البته در ترجمه معزی «بیارمید» ذکر شده که ترجمه گویایی نیست.

گرچه خود واژه «قرن» که به معنای ثبوت است در اصل به امور سرد تشبیه شده، اما تعبیر «قرن فی بیوتکن» طبق بلاغت سستی تعبیر کنایی است و مراد از آن بیرون نرفتن از خانه است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۳۰۹).

۴-۳-۲- ﴿وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾

استعاره در این جمله، دقیقاً شبیه استعاره‌ای است که در تعبیر «غیرمترجات» به کار رفته است؛ یعنی زنانی که با اظهار زینت و محاسن خویش درصدد خودنمایی هستند به امور و چیزهای مرتفع یعنی «برج» تشبیه شده‌اند، وجه شباهت نیز نمایان شدن است. همانگونه که بیان شد با این استعاره، مسئله نمایاندن و اظهار نمودن به‌خوبی تبیین می‌شود؛ زیرا امور مرتفع به دلیل بلندی نمایان هستند و به چشم می‌آیند گویا خود را به نمایش گذاشته‌اند.

در این استعاره، مستعاره زنانه هستند که با زینت خود قصد خودنمایی دارند، مستعارمنه چیزهای مرتفع مانند برج و وجه شبه، نمایان بودن است. مشابه به نیز در آیه ذکر نشده و لازمه آن «تَبْرَجْنَ» بیان گردیده است؛ بنابراین استعاره مکینه است و به علت اینکه ﴿تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ از متناسبات مستعاره است، مجرده خواهد بود.

بررسی ترجمه‌ها

در این استعاره، خودنمایی پررنگ شده است و باید در ترجمه نیز منعکس گردد. باید به این مسئله توجه داشت که این استعاره، استعاره‌ای پویا نیست؛ یعنی «تبرج» به معنای اظهار زینت به دلیل کثرت استعمال نوعی، معنایی حقیقی است نه استعاری؛ اما در ترجمه فارسی شیوه «جایگزین کردن تشبیه به‌جای استعاره» بهتر می‌تواند این استعاره را منتقل کند: «(مانند برج) به اظهار زینت و خودنمایی دوران جاهلیت نپردازید».

در میان ترجمه‌ها، ترجمه‌های مکارم و مشکینی نمی‌توانند دقیق باشند؛ زیرا:

اولاً اظهار زینت به معنای ظاهر نشوید، ترجمه شده است.

ثانیاً خودنمایی ذکر نشده است.

ترجمه الهی قمشه‌ای و گرمارودی نیز اظهار زینت و خودنمایی را به خودآرایی و خویش‌آرایی ترجمه کرده‌اند؛ همانگونه که در رابطه با تعبیر «غیرمتبرجات» بیان شد، این نوع ترجمه نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا آیه درصدد بیان خودنمایی به‌وسیله اظهار زینت است و چنین امری با خودآرایی تفاوت دارد. در ترجمه‌های آیتی، صلواتی و کاویانپور اظهار زینت آمده است اما خودنمایی ذکر نشده است. چنین ترجمه‌ای هم نمی‌تواند دقیق باشد؛ زیرا هر اظهار زینتی به حد خودنمایی نمی‌رسد. ترجمه انصاریان، خودنمایی را به‌عنوان توضیح داخل کروشه آورده است اما اظهار زینت را به صورت ظاهر نشوید ترجمه نموده است.

۴-۴- آیه ۵۹ سوره احزاب^۵

در آیه فوق تنها یک عبارت قابل بررسی است:

۴-۴-۱- ﴿ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يُعْرِفَنَ﴾

الف- استعاره سنتی

بر اساس نظریه سنتی می‌توان گفت «امکان وقوعی» یعنی احتمال بیشتر برای تحقق یک امر، تشبیه شده به «امکان مکانی» یعنی نزدیک‌تر شدن؛ در این صورت نوع استعاره مصرحه خواهد بود و از آنجاکه متناسبات مستعار^۶له یعنی «أن يعرفن» ذکر شده مجرده است. جامع یا وجه شباهت را نیز می‌توان امکان تحقق بیشتر دانست.

ب- استعاره مفهومی

«احتمال واقع‌شدن، فاصله مکانی است». احتمال وقوع با مفهوم فاصله مکانی بیان می‌شود؛ احتمال وقوع کمتر، فاصله مکانی دور است؛ اما احتمال وقوع بیشتر، فاصله مکانی نزدیک است.

در اینجا برای بیان احتمال (درصد واقع شدن) از فاصله مکانی دور و نزدیک استفاده شده است؛ درواقع مفاهیم مرتبط با احتمال بر اساس رابطه مکانی و دستگاه مفهومی دور و نزدیک ساختار می‌یابد ولی مفهوم خود احتمال ساختار خاصی پیدا نکرده است. مفاهیم مرتبط با فاصله مکانی عبارتند از:

- فاصله مکانی می‌تواند دور یا نزدیک باشد؛
- فاصله مکانی دور، از دسترس انسان فاصله دارد؛
- امکان تحقق امری که دور از دسترس است، کمتر خواهد بود؛
- فاصله مکانی نزدیک در دسترس است؛
- امکان وقوع امری که در فاصله نزدیک قرار دارد بیشتر است.

ج- بررسی ترجمه‌ها

برای انتقال دادن استعاره مذکور باید از شیوه بازتولید یا ترجمه تحت‌اللفظی استفاده کرد؛ زیرا معادل این استعاره در زبان فارسی وجود دارد. در این صورت واژه «ادنی» باید به صورت تحت‌اللفظی که نزدیک‌تر است، ترجمه شود؛ «این (کار) برای اینکه شناخته شوند و آزار نبینند نزدیک‌تر است». ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، انصاریان، گرمارودی، مشکینی و معزی به همین نحو است و در آن‌ها استعاره به شیوه تحت‌اللفظی ترجمه شده است. در ترجمه آقای فولادوند گرچه واژه ادنی به صورت تحت‌اللفظی ترجمه شده ولی ترجمه دقیقی از آیه صورت نگرفته است؛ زیرا در آیه نزدیک‌تر شدن در رابطه با شناختن به کار رفته است (به شناخته شدن نزدیک‌تر است) نه در رابطه با احتیاط (به احتیاط نزدیک‌تر است). در ترجمه‌های آیتی، صلواتی، کاویان‌پور و مکارم، استعاره به‌طور کامل حذف شده است؛ زیرا ادنی به بهتر بودن، نیکو بودن و مناسب بودن ترجمه شده است.

۴-۵- آیه ۵۳ سوره احزاب^۶

در این آیه، عبارت ذیل حاوی دو استعاره است:

۴-۵-۱- ﴿ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن﴾

الف- استعاره سستی

می‌توان گفت، کیفیت سؤال و درخواست از نامحرم به چیزی تشبیه شده که می‌تواند پاک یا ناپاک باشد «درخواست متاع از ورای حجاب پاک‌تر است برای قلوب مؤمنین»؛ درواقع فعل تشبیه به یک شیء شده است و آن چیز درهرصورت متعلق به قلب است؛ گویا این درخواست به‌نوعی غذا و خوراک تشبیه شده که می‌تواند طیب یا غیر طیب باشد. علاقه میان مستعاره و مستعارمنه نیز اثر گذاشتن (مفید یا غیرمفید) است. در این استعاره مشبه‌به حذف و لازمه آن، یعنی پاک‌تر بودن ذکر شده است؛ بنابراین استعاره مکنیه و از نوع مرشحه است؛ زیرا ملائم مستعارمنه یعنی صفت تفضیل اطهر، در کلام آمده است.

از طرف دیگر می‌توان گفت قلب نیز به موجود زنده‌ای تشبیه شده است که قابلیت تغذیه کردن را دارد و به‌شدت متأثر از نوع تغذیه خود قرار می‌گیرد؛ درواقع نوعی شخصیت‌بخشی در این استعاره صورت گرفته است که به‌وسیله آن تأثیرپذیر بودن قلب بزرگ‌نمایی شده است. این استعاره نیز مکنیه مرشحه است چون مشبه‌به یعنی موجود تغذیه‌کننده، ذکر نشده اما برخی از لوازم دور آن، یعنی اثرپذیری از تغذیه (اطهر بودن) همچنین ملکیت غذا (لام در لقلوبکم و قلوبهن) ذکر شده است.

ب- استعاره مفهومی

درخواست از نامحرم در ورای حجاب، حوزه مبدأ و خوراک پاک، حوزه مقصد است. مفاهیم ناظر به حوزه مبدأ تقریباً انتزاعی است؛ اما مفاهیم ناظر به حوزه مقصد کاملاً محسوس است: «درخواست از ورای حجاب، خوراکی پاک برای قلب است». خصوصیات حوزه مبدأ عبارتند از:

- خوراک و غذای پاک، از نجاست و آلودگی دوراست؛

- مطابق فطرت انسان و آرامش‌بخش است؛

- برای بدن زیان‌آور نیست.

در واقع فواید و آثار سؤال از نامحرم از ورای حجاب ممکن است برای هر کس مشخص نباشد اما مفهوم خوراک پاک و تفاوت آن با خوراک ناپاک برای همه روشن و واضح است؛ لذا با کمک این استعاره یک مفهوم نسبتاً انتزاعی در قالب یک مفهوم غیر انتزاعی و محسوس تبیین شده است.

استعاره مفهومی ناظر به قلب؛ «قلب تغذیه‌کننده است». این استعاره نوعی استعاره وجودی است که در آن‌ها حوادث، فعالیت‌ها، احساسات و اندیشه‌ها به‌عنوان هویتات و جواهر در نظر گرفته می‌شوند، نوع خاصی از استعاره‌های وجودی شخصیت‌بخشی نام دارد (قائم‌نیا، ۱۳۹۷: ۷۵-۷۶). در این استعاره قلب به موجود زنده تشبیه شده است. مهم‌ترین خصوصیات موجود زنده تنفس، تغذیه، رشد نمودن و پاسخ به محرک است که در این استعاره تغذیه نمودن و تأثیرپذیری از محرک، برجسته شده است.

ج- بررسی ترجمه‌ها

در ترجمه این قسمت از آیه باید به این نکته توجه داشت که آنچه پاک‌تر بودن به آن نسبت داده شده است، درخواست از ورای حجاب و پرده است؛ درواقع صفت تفضیل پاک‌تر بودن برای فعل و نحوه انجام آن به کار رفته که کاربردی غیرمتعارف است؛ گویا فعل به‌عنوان یک شیء در نظر گرفته شده است و همین نکته، زمینه‌ساز پی بردن به استعاری بودن این تعبیر خواهد بود؛ بنابراین برای ترجمه بهتر این استعاره باید لفظ «اطهر» به‌صورت تحت‌اللفظی یعنی پاک‌تر بودن یا پاکیزه‌تر بودن ترجمه شود تا استعاره در زبان مقصد تا حدی بازگو گردد؛ «این (درخواست از ورای حجاب) برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است».

ترجمه‌های فولادوند، کاویانپور، گرمارودی، مشکینی، معزی به همین نحو استعاره را ترجمه کرده‌اند برخلاف آیتی که پاک دارنده‌تر ترجمه نموده است. ترجمه الهی قمشه‌ای و مکارم به دلیل اینکه این پاکی را به قلب نسبت داده‌اند نه به نوع درخواست از نامحرم

ترجمه دقیقی نیست.^۷ در ترجمه صلواتی این استعاره حذف شده است؛ زیرا «اطهر لقلوبکم» به معنای نیکوتر بودن برای پاکی دل‌ها ترجمه شده است.

۵- نتیجه‌گیری

آنچه از این پژوهش حاصل شده، عبارت است از:

۱- ترجمه صحیح از یک استعاره، مبتنی بر شناخت صحیح آن استعاره و معانی ابداع‌شده توسط آن است؛ گاه یک استعاره به دلیل کثرت استعمال در حد یک کاربرد حقیقی است، گاه آنچنان پویا و بدیع است که معانی زیادی را به همراه دارد. کشف این معانی با تحلیل دقیق استعاره و ارکان آن حاصل می‌شود، به این منظور استعاره‌های آیات حجاب هم بر اساس نظریه سستی، هم مفهومی مورد بررسی قرار گرفته است تا زمینه برداشت صحیح‌تر و کامل‌تر فراهم شود. نظریه‌های سستی و مفهومی گرچه هر یک روش جداگانه‌ای برای تحلیل استعاره دارند؛ معانی به‌دست‌آمده بر اساس این دو نظریه در آیات حجاب، تقریباً شبیه به هم است و این نتیجه باعث می‌شود در صحت معانی به‌دست‌آمده اطمینان بیشتری حاصل گردد.

۲- بهترین شیوه ترجمه، ترجمه تحت‌اللفظی استعاره است؛ البته در صورتی که در زبان مقصد معادل داشته باشد. ترجمه مفهومی و توضیحی نیز در بازتاب بلاغت استعاره، قدرت کافی ندارد؛ شیوه حذف استعاره نیز قابل پذیرش نخواهد بود مگر در برخی از استعاره‌های مرده. در مابقی شیوه‌ها، به‌طور قطع نمی‌توان گفت کدام شیوه بهتر است؛ بلکه بعد از تحلیل استعاره و فهم دقیق آن است که متوجه خواهیم شد کدام شیوه برای انتقال استعاره کارآمدتر است. به‌عنوان مثال در تعبیر ﴿وَلْيَضْحَكْنَ بَحْمَرٍ هَنَّ عَلٰى جُيُوبِهِنَّ﴾ بهترین شیوه، جایگزین کردن تشبیه موجود در استعاره است و در تعبیر ﴿غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ﴾ بهترین شیوه، ترجمه معنایی است.

۳- از بررسی ترجمه‌های فارسی به دست می‌آید، مترجمان نه تنها از شیوه نظام‌مندی در ترجمه استعاره بهره نبرده‌اند؛ بلکه گاه از وجود آن غفلت نموده و معنای صحیحی را انتقال نداده‌اند. از میان ده مورد بررسی‌شده، در ترجمه‌های فولادوند، کاویانپور، گرمارودی، مشکینی و معزی استعاره بازتاب بهتری داشته است؛ این ترجمه‌ها بیشتر از شیوه تحت‌اللفظی برای برگرداندن استعاره بهره برده‌اند. مابقی ترجمه‌ها به دلیل عدم توجه به نکاتی که زمینه‌ساز انتقال معانی استعاره هستند در ترجمه این فن بلاغی ضعیف عمل نموده‌اند.

۶- پی‌نوشت

۱. ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾.

۲. مستعارله: علم و آگاهی. مستعارمنه: جهت بالا. علاقه: احاطه و تسلط داشتن. نوع استعاره: مکنیه مطلقه.

۳. ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾.

۴. ﴿وَقَدْ كَانَ فِي يُثُوبِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾.

۵. (يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَذْنَى أَنْ يُعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً).

۶. (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرٍ إِنَاءَهُ وَ لَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَ لَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَ اللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعاً فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ

کیفیت انتقال استعاره‌های آیات حجاب در ترجمه‌های فارسی ... _____ علیرضا آزاد و سمیه جعفری ملک‌آبادی

لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ وَ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا).

۷. الهی قمشه‌ای: «حجاب برای آنکه دل‌های شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است». مکارم: «این کار برای پاکی دل‌های شما و آنها بهتر است».

۷- منابع

✽قرآن کریم

- ۱- اسلامی مهرجردی، محمدرضا، باقر، علیرضا، «مقایسه ترجمه‌های استعاره‌های قرآن کریم در ترجمه میبیدی و فولادوند»، نشریه/دب عرب، صص ۱۷۹-۱۹۸، شماره ۲، (۱۳۹۶ش).
- ۲- الهی قمشه‌ای، مهدی، ترجمه قرآن، قم: فاطمه الزهراء. (۱۳۸۰ش).
- ۳- امینی، حیدرعلی، کامیابی گل، عطیه، نوروزی، علی، بررسی استعاره‌های مفهومی ساختاری در سوره نبأ در قرآن کریم، دومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی. (۱۳۹۴ش).
- ۴- انصاریان، حسین، ترجمه قرآن، قم: اسوه. (۱۳۸۳ش).
- ۵- امانی، رضا، شادمان، یسرا، «چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآن در فرایند ترجمه»، نشریه مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۶۸، (۱۳۹۱ش).
- ۶- آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، تهران: سروش. (۱۳۷۴ش).
- ۷- باقر، علیرضا، «دشواری ترجمه استعاره با تأکید بر شیوه‌های برگرداندن استعاره‌های قرآن در ترجمه طبری»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۱۱، صص ۳۹-۵۴، (۱۳۹۱ش).
- ۸- براتی، مرتضی، «بررسی استعاره مفهومی نور در قرآن کریم با رویکرد شناختی»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۳۰، صص ۳۹-۵۹، (۱۳۹۵ش).
- ۹- ساسانی، فرهاد، استعاره مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی، تهران: سوره مهر. (۱۳۹۰ش).
- ۱۰- جعفری، یعقوب، «استعاره در قرآن و دشواری ترجمه آن»، ترجمان وحی، شماره ۲، صص ۳۹-۵۱، (۱۳۸۲ش).
- ۱۱- خلیلی، زهرا، بررسی ترجمه استعاره در دو ترجمه قرآن کریم (فولادوند و مکارم شیرازی)، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۹۴ش).

- ۱۲- روشن، بلقیس، اردبیلی، لیلا، *مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی*، تهران: نشر علم. (۱۳۹۲ش).
- ۱۳- صلواتی، محمود، *ترجمه قرآن*، تهران: مبارک. (۱۳۸۷ش).
- ۱۴- عشایری منفرد، محمد، *معناشناسی بلاغی قرآن*، دفتر دوم (درسنامه بلاغت کاربردی ۲)، قم. (بی تا).
- ۱۵- رضاپور، ابراهیم، یغمایی، مریم، «نقش فرهنگ در ساخت و گزینش استعاره مفهومی حجاب در گفتمان فرهنگی فارسی از منظر نظریه گفتمانی استعاره»، *نشریه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، صص ۷۳-۹۰، شماره ۱۵، (۱۳۹۵ش).
- ۱۶- زیارتی، غلامرضا، خرمی، مهدی، *استعاره تمثیلیه در قرآن کریم*، دانشگاه تربیت معلم. (۱۳۸۶ش).
- ۱۷- فولادوند، محمد مهدی، *ترجمه قرآن*، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی. (۱۴۱۸ش).
- ۱۸- قائمی نیا، علیرضا، *استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآن*، تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی. (۱۳۹۷ش).
- ۱۹- قائمی نیا، علیرضا، *معناشناسی شناختی قرآن*، تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی. (۱۳۹۰ش).
- ۲۰- کاویان پور، احمد، *ترجمه قرآن*، تهران: اقبال. (۱۳۷۲ش).
- ۲۱- کوچش، زولتان، *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*، ترجمه: شیرین پورابراهیم، تهران: سمت. (۱۳۹۳ش).
- ۲۲- مشکینی اردبیلی، علی، *ترجمه قرآن*، قم: الهادی. (۱۳۸۱ش).
- ۲۳- معزی، محمدکاظم، *ترجمه قرآن*، قم: اسوه. (۱۳۷۲ش).
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر، *ترجمه قرآن*، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی. (۱۳۷۳ش).
- ۲۵- موسوی گرمارودی، علی، *ترجمه قرآن*، تهران: قدیانی. (۱۳۸۴ش).
- ۲۶- نیومارک، پیتر، *دوره آموزش فنون ترجمه*، ترجمه: منصور فهیم و سعید سبزیان. تهران: رهنما. (۱۳۸۶ش).
- ۲۷- آلوسی، محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه. (۱۴۱۵ق).

کیفیت انتقال استعاره‌های آیات حجاب در ترجمه‌های فارسی ... _____ علیرضا آزاد و سمیه جعفری ملک‌آبادی

- ۲۸- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر. (۱۴۱۴ق).
- ۲۹- ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی. (۱۴۲۱ق).
- ۳۰- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسة التاریخ. (۱۴۲۰ق).
- ۳۱- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی. (۱۴۰۴ق).
- ۳۲- تفتازانی، مسعود بن عمر، *مختصر المعانی*، قم: دارالفکر. (۱۳۷۶ش).
- ۳۳- سکاکی، یوسف بن ابی بکر، *مفتاح العلوم*، بیروت: دارالمکتب العلمیة. (۱۴۰۷ق).
- ۳۴- سید رضی، محمد بن حسین، *تلخیص البیان فی مجازات القرآن*، بیروت: دارالأضواء. (۱۴۰۶ق).
- ۳۵- جرجانی، عبدالقاهر، *أسرار البلاغة في علم البيان*، قاهره: مکتبة الخانجی. (۱۹۹۱م).
- ۳۶- جرجانی، عبدالقادر، *دلائل الإعجاز فی القرآن*، ترجمه: سید محمد رادمش، مشهد: آستان قدس. (۱۳۶۸ش).
- ۳۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم. (۱۴۱۲ق).
- ۳۸- طباطبائی، محمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات. (۱۴۰۲ق).
- ۳۹- طبانه، بدوی، *بیان العربی*، مصر: مطبعة الرسالة. (۱۳۷۷ش).
- ۴۰- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم: هجرت. (۱۴۰۹ق).
- ۴۱- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: دارالکتب العلمیة. (۱۴۳۰ق).

42- Alvarez, A. "On translating metaphor", *Meta*, 38, 1: 479-490(1993).

43- Dagut, M. B. "Can metaphors be translated?", *Babel*, 22, 1: 21-33(1976).

44- Hatim, B & Mason, I. "Discourse and the Translator", Longman, London (1990).